

بررسی فقهی و حقوقی حریم خصوصی متصدیان مناصب حکومتی

اسرافیل سبحانی^۱

چکیده

احراز صلاحیت و به‌کارگیری افراد صالح و متعهد در مدیریت حکومت اسلامی و مسئولیت‌های حکومتی از وظایف حاکمان است. از این جهت افرادی باید در مناصب اداری و حکومتی قرار گیرند که در قول و فعل، عامل به احکام و موازین اسلامی باشند و بتوانند آنچه را که اسلام حکم کرده، به منصفه ظهور برسانند. برای انجام این مأموریت بزرگ الهی، متصدیان مناصب حکومت اسلامی باید از هر نظر دارای شایستگی، لیاقت، تخصص علمی و عملی، توانایی‌های جسمی و روحی و دیگر شرایط ایجابی برای انجام وظایف را داشته باشند، بنابراین لازم است مطابق مجوزهای قانونی و شرعی، به حریم خصوصی افراد وارد و صلاحیت آن فرد برای تصدی منصب حکومتی احراز گردد با این تأکید که حریم خصوصی، از حقوق شهروندی و قلمرویی از زندگی خصوصی فرد بوده و در فقه امامیه، حقوق موضوعه ایران و بین‌الملل، ورود به آن بدون مجوز قانونی، جرم‌انگاری شده و برای مرتکب آن، مسئولیت کیفری و مدنی تعیین شده است.

واژگان کلیدی:

احراز صلاحیت، حریم خصوصی، حکومت اسلامی، متصدیان، فقه حکومتی



شماره اول
پاییز و زمستان

۱۴۰۲

^۱. دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی، استادیار دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران

is.sobhani۲۸@gmail.com

مقدمه

تشکیل حکومت اسلامی از امور اجتناب‌ناپذیر در اسلام بوده و بدون آن، اجرای احکام اسلامی در امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، نظامی و حتی امور فردی و مذهبی مسلمانان معطل و مختل خواهد شد، تجربه تاریخی و عینی، این حقیقت را ثابت می‌کند، از منظر آموزه‌های اسلامی متصدیان مناصب حکومت اسلامی دارای شرایط، ویژگی‌ها و خصلت‌هایی هستند که از جمله آن می‌توان به عدالت‌محوری، مسئولیت‌پذیری، خیرخواهی برای مردم، مهربانی با مردم، ساده زیستی و... اشاره کرد. با این توصیف، حکومت اسلامی وظایفی در برابر آحاد مردم پیدا می‌کند که یکی از مهم‌ترین وظایف آن گزینش صالحان برای تصدی مسئولیت‌های حکومتی است؛ به‌کارگیری افراد صالح و متعهد در مدیریت حکومت اسلامی و جلوگیری از مدیریت کارگزاران و مدیران ناصالح که به ناکارآمدی آن می‌انجامد، از وظایف اصلی حکومت می‌باشد. افرادی باید در مناصب اداری و حکومتی قرار گیرند که در قول و فعل عامل به احکام و موازین اسلامی بوده و بتوانند آنچه را که اسلام حکم کرده برای جامعه اسلامی، اجرا کنند. برای انجام این مأموریت بزرگ الهی، افرادی باید کارگزار حکومت اسلامی باشند که از هر نظر دارای شایستگی، لیاقت، تخصص علمی و عملی، توانایی‌های جسمی، روحی و دیگر شرایط ایجابی برای انجام وظایف را داشته باشند (جوادی آملی ۱۳۹۱، ۴۴۰). به همین منظور حکومت اسلامی برای حفظ خود و جلوگیری از سپردن مناصب به افراد ناشایست، احراز صلاحیت را در انتصاب و انتخاب افراد مدنظر قرار می‌دهد^۱ (عابدی ۱۳۸۹، ۲۹) و برای احراز صلاحیت مطابق با موازین شرعی و قانون، حریم خصوصی افراد مدعی داشتن شرایط و صلاحیت را مورد واکاوی قرار می‌دهد، با اذعان به این نکته، به حکم اولیه در فقه و قانون، ورود به حریم خصوصی ممنوع و استثنائاتی هم در آن دیده شده است.

بررسی فقهی و حقوقی حریم خصوصی متصدیان مناصب حکومتی

۱. «المسأله ۳۳ - المراد من النظام الاسلامی هو النظام السیاسی الذی بهتم باقامه الشعائر و الفرائض الالهی و هو امر مقول بالتشکیک، فقد یکون هناك نظام الاسلامی و فی بلد آخر نظام آخر هو اشد انطباقاً علی الشریعه الاسلامیه من الاول و اقرب الی الاهداف الالهیه منه» (عابدی، احمد، (۱۳۸۹)، «فقه الامن»، قم، زائر.

حریم خصوصی از حقوق بنیادین بشری بوده که قلمروی زندگی شخصی هر فرد با هر ملیتی است که انتظار دارد دیگران بدون رضایت آن را نقض نکنند و فقهای امامیه متناسب با موضوعات به لزوم رعایت این حریم فتوا صادر کرده و استثنائات آن را بیان کرده‌اند، مقام معظم رهبری در رعایت حریم خصوصی فرموده‌اند «ورود به حریم خصوصی اشخاص بدون اجازه، شرعاً جایز نیست، اگرچه عنوان تجسس بر آن منطبق نباشد، گرفتن فیلم و عکس و مانند آن به صورت مخفیانه شرعاً حرام و انتشار آن حرام دوم است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸) در حقوق موضوعه ایران هم به رعایت حریم خصوصی تأکید شده و ورود به آن از سوی قانون‌گذار ممنوع اعلام گردیده است؛ از جمله می‌توان به برخی از مصادیق حریم خصوصی مانند حیثیت، جان، مسکن، عقاید، نامه‌ها و مکالمات تلفنی و الکترونیکی (اصول فصل سوم، ۲۲، ۲۳، ۲۵)، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (مصوب ۱۳۸۳)، قانون تجارت الکترونیکی ایران (مصوب ۱۳۸۴)، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (مصوب ۱۳۸۸) اشاره کرد.

مفهوم‌شناسی

احراز^۱

احراز یعنی «فراهم آوردن، جمع کردن، درحرز کردن، پناه دادن، جای دادن، داراشدن و به دست آوردن» (معین، ۱۳۸۷، واژه احراز)، معنای به دست آوردن با احراز صلاحیت، تطابق بیشتری دارد.

صلاحیت^۲

صلاحیت یعنی «شایستگی، سزاواری، اهلیت، صلاحیت‌دار و شایسته برای انجام کاری» (دهخدا، ۱۳۸۵، واژه صلاحیت)، صلاحیت در اصطلاح؛ بررسی انطباق شرایط و خصوصیات افراد با شرایطی است که دارا بودن آن برای تصدی یک شغل یا مسئولیت، لازم و ضروری است.

۱. Acquired .

۲. Qualification.



احراز صلاحیت

حالتی است که پس از انجام تحقیقات در چارچوب‌های تعیین‌شده در فقه امامیه و حقوق موضوعه به وجود می‌آید که فرد باوجود شرایط تعیین‌شده، شایستگی و اهلیت‌ش کشف می‌شود.

احراز عدم صلاحیت^۱

حالتی است که پس از بررسی‌های لازم در خصوص صلاحیت فرد در چارچوب‌های تعیین‌شده در فقه امامیه و حقوق موضوعه به وجود آمده و به استناد موارد منفی، عدم صلاحیت فرد کشف می‌شود، مانند جایی که فرد دارای سابقه مؤثر کیفری (طبق قانون)، می‌باشد.

حریم^۲

حریم؛ اموری که انسان از آن دفاع کرده و در مقام حمایت از آن برمی‌خیزد. هم‌چنین به معنای حرمت و آبروی مردم و... نیز به‌کاررفته است (المنجد، واژه حرم). حریم از حرمت به معنای منع می‌باشد به این دلیل تعرض دیگران به حق صاحب حریم، ممنوع است (جعفری‌لنگرودی ۱۳۸۸، ۳: ۱۶۵۳).

خصوصی^۳

واژه «خصوصی» به معنای ویژه و اختصاصی در زبان عربی استعمال شده است (طریحی ۱۴۱۶ ق، ۱: ۴۲۱). در فقه امامیه و حقوق موضوعه، تعریف دقیقی از حریم خصوصی نشده و در موارد مختلف به بیان مصادیق آن پرداخته شده است که می‌توان به‌منظور شارع و قانون‌گذار پی برد؛ حق تنها ماندن، دسترسی محدود دیگران به انسان و توانایی ایجاد مانع در برابر دسترسی ناخواسته و ناخوانده به انسان، محرمانگی و پنهان ساختن برخی امور از دیگران، کنترل بر اطلاعات شخصی، حمایت از شخصیت و کرامت انسان‌ها از مصادیقی است که در مورد حریم خصوصی بیان شده است. در

۱. تقسیم دیگری هم در عرف رایج سیاسی وجود دارد که از آن به عدم احراز صلاحیت نام برده شده است، با جستجو در منابع فقهی و قانونی، این مدل فاقد مبنای علمی می‌باشد. چراکه نتیجه احراز عدم صلاحیت و عدم احراز صلاحیت، چیزی جز ردصلاحیت نبوده و از طرفی در عدم صلاحیت فرد با صفت سلبی رد شده، ولی در عدم احراز صلاحیت، حتی با داشتن ویژگی ایجابی و عدم کشف مراجع تعیین صلاحیت، احراز صلاحیت صورت نمی‌گیرد.

۲. Privacy

۳. Private

تعریف دیگری، حریم خصوصی، قلمرو زندگی هر فرد دانسته شده که نوعاً یا عرفاً و یا با اعلان قبلی، انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو وارد نشوند یا به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند یا به هر صورت دیگری وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهند (انصاری ۱۳۸۷، ۶۵).

دلایل فقهی ممنوعیت ورود به حریم خصوصی

قرآن کریم

در قرآن کریم برخی از آیات با تعیین مصداق‌هایی از حریم خصوصی (تجسس، غیبت، ورود به منازل بدون اجازه و...)، دلالت بر حرمت ورود به حریم خصوصی می‌کند که در ذیل به آن‌ها اشاره و در بیان و توضیح آیات برای پرهیز از اطاله کلام به خلاصه آن‌ها اکتفاء می‌شود.

ممنوعیت تجسس

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... لَا تَجَسَّسُوا» (حجرات: ۱۱)، تجسس در لغت به معنای جست‌وجوی دقیق و پیگیری خبر، جست‌وجو برای یافتن اخبار و اسرار دیگران، جست‌وجوی خبر برای گفتن به دیگران است (ابن منظور، بی تا، ۶:۳۸، طریحی ۱۳۷۵، ۱:۳۷۴). در اصطلاح فقهی، اخبار، اوضاع و احوال گروهی را برای گروه دیگران بردن و یا همان جاسوسی کردن به نفع دشمن است. تجسس با اصل اولی عدم ولایت فرد بر فرد دیگر نیز منافات دارد و تحقیق در زندگی افراد به نوعی اعمال ولایت در امور مردم می‌باشد، تجسس به پژوهش و تفحص از امور پوشیده و پنهان هم اطلاق می‌شود چه برای امور خیر و چه برای امور شر (طیبی بی تا، ۲۱). علامه طباطبایی در ذیل تفسیر لاتجسسوا می‌فرماید: لاتجسسوا یعنی از عیوب مردم تتبع و کاوش نکنید تا اموری که پوشیده ماندن آن‌ها را خوش می‌دارند، آشکار نشود (طباطبایی ۱۳۷۴، ۱۸:۴۸۴). با این استدلال تجسس در احوال شخصی افراد ممنوع و دارای حرمت شرعی می‌باشد.

ممنوعیت غیبت

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... لَا يَغْتَابُ بَعْضُكُمُ بَعْضًا» (حجرات: ۱۱). غیبت هم در مواردی که فرد راضی به بیان ویژگی‌ها و ... نباشد، برای فرد غیبت‌کننده که به نوعی از حریم خصوصی غیبت شونده باخبر شده ممنوع می‌باشد، غیبت شکستن حریم خصوصی فرد تلقی می‌شود.



شماره اول
پاییز و زمستان

۱۴۰۲

ممنوعیت سوءظن

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (حجرات: ۱۱).
سوءظن مقدمه تجسس و ورود به حریم خصوصی بوده که در اسلام ممنوع اعلام شده است. سوءظن می تواند به عنوان یکی از عوامل تجسس محسوب گردد که نهی از آن موجب پیشگیری از تجسس و مداخله در امور دیگران می شود و از این طریق روابط اجتماعی بر پایه مناسبات صحیح همراه با احساس امنیت از قِبَل دیگران شکل می گیرد.

ممنوعیت اشاعه فحشاء

«إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تُشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور: ۱۹) شیخ انصاری در استدلال به این آیه، در اثبات حرمت انتشار مسائل مربوط به حریم خصوصی بیان می دارد: منظور از آیه صرف انجام فعلی است که به افشاء بدی ها بیانجامد، گرچه فرد انگیزه ای برای این کار نداشته باشد؛ در حرمت انتشار اعمال بد انسان، زمانی که موجب تنزل جایگاه مؤمن و توهین به آن می شود، بحثی وجود ندارد (انصاری ۱۴۲۸ ق، ۳۲۶/۳۲۷: ۱)، بدیهی است برخی از رفتار انسان که جنبه گناه را پیدا می کند جزو اسرار و حریم خصوصی فرد قلمداد می شود که اطلاع پیدا کردن و انتشار آن مورد نهی شارع می باشد.

ممنوعیت ورود به منازل

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرِ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» (نور: ۲۶/۲۷) ورود به منازل، بدون اذن صاحب آن از منظر اسلام ممنوع می باشد.

ممنوعیت نگاه ناروا

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا...» (نور: ۳۰ / ۳۱). خداوند حریم خصوصی افراد را تا بالاترین حد انسانیت، تعیین کرده و نگاه ناروا به فرد دیگر را ممنوع دانسته است، چنانچه در معنای نگاه ناروا توسعه دهیم احتمال این که شامل تصویربرداری مخفی از حریم خصوصی بشود، هم وجود دارد، مؤید این برداشت نهی پیامبر اکرم (ص) از کسب اطلاع از خانه دیگری است

«پیامبر اکرم (ص) از این که فردی از منزل همسایه خود کسب اطلاع کند، نهی کرده است» (حر عاملی ۱۴۰۹ ق، ۲۹:۶۹).

سنت

در کتب روایی گفتاری مبنی بر «النظر الی دارالغیر بغیراذنه» (مامقانی ۱۴۰۴ ق، ۳۵۶) وجود دارد که مباحث آن بیشتر به ممنوعیت و حرمت ورود به حریم خصوصی مرتبط بوده و افراد را از توجه و نظاره به منازل و مسکن خصوصی افراد برحذر می‌دارد، پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «مَنْ أَطَّلَعَ فِي بَيْتِ جَارِهِ فَنَظَرَ إِلَى عَوْرَةِ رَجُلٍ أَوْ شَعْرِ امْرَأَةٍ أَوْ شَيْءٍ مِنْ جَسَدِهَا كَانَ حَقِيقَةً عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ...» فردی که منزل همسایه‌اش سرک کشیده عورت، مو و یا قسمتی از بدن زنی را نگاه کند سزاوار است که خداوند او را داخل آتش کند (مجلسی ۱۴۰۳ ق، ۱۰۴: ۳۷). هم‌چنین رسول اکرم (ص) در زمینه ممنوعیت استراق سمع فرموده‌اند: «هرکس به مکالمات دیگران در حالی که راضی نیستند، گوش دهد روز قیامت در گوش وی سرب گداخته ریخته می‌شود» (حر عاملی ۱۳۹۱ ق، ۲۱).

پیامبر اکرم (ص) در ممنوعیت تجسس در اسرار مردم می‌فرماید: «... وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا تَتَفَاحَشُوا وَ...» تجسس و اشاعه فحشا نکنید (حمیری ۱۴۱۳ ق، ۱: ۲۹). با اذعان به تواتر معنوی روایات، می‌توان اعتبار حق حریم خصوصی را از آن‌ها استنباط کرد.

عقل و بنای عقلاء

دلیل عقلی دلیلی است که صغری و کبری آن عقلی بوده و نتیجه‌ای شرعی داشته باشد که «مستقلات عقلیه» نامیده می‌شود، باقاعده ملازمه «کَلَّمَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ» و قبول آن می‌توان بیان کرد که عقل تجاوز به حریم خصوصی افراد، افشای اطلاعات و عیوب آن‌ها را قبیح دانسته و حکم به ممنوعیت ورود به حریم خصوصی می‌کند و نتیجه آن که حکم شرع هم تجاوز به حریم خصوصی را ممنوع دانسته است. از سویی همه عقلاء عالم (بدون تفاوتی در ملیت، کیش، آیین و...) بر ممنوعیت ورود به حریم خصوصی تأکید داشته و نگاه واحدی دارند.

اجماع

در فقه امامیه، اجماع دلیل مستقلی نیست و تنها در صورتی که کاشف از قول یا فعل و یا تقریر معصوم باشد، اعتبار دارد، «غیبت» به‌عنوان یکی از مصادیق نقض حریم خصوصی است. امام خمینی (ره) حرمت غیبت را فی‌الجمله اجماعی دانسته‌اند (امام



خمینی (۱۳۷۱، ۱: ۳۰۳) با استقراء در آرای فقیهان در زمینه حرمت نظاره بر منازل، افشای اسرار و عیوب می‌توان به اجماع آنان در وجوب رعایت برخی مصادیق حریم خصوصی فی‌الجمله اذعان نمود (نقیبی ۱۳۸۹، ۱: ۱۲).

دلایل حقوقی ممنوعیت ورود به حریم خصوصی

در حقوق موضوعه ایران و حتی حقوق بین‌الملل^۱ حریم خصوصی افراد محترم شمرده شده و قوانین خاصی برای آن وضع گردیده است که در ذیل به دو بخش تقسیم و اشاره می‌گردد:

بخش اول: قوانین رسمی

۱. اصول بیست و دوم و بیست و پنجم قانون اساسی؛
۲. مواد ۴ و ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲؛
۳. قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند - مصوب ۱۳۸۶؛
۴. مواد ۱۳ و ۱۴ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات - مصوب ۱۳۸۸؛
۵. ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف - مصوب ۱۳۹۴؛

۱. مهر پور، حسین، ۱۳۹۶ نظام بین المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات اطلاعات؛ ماده ۱۸ اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۹۹۰/۸/۵ یا ۱۳۶۹/۵/۱۵ اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره می‌گوید:

- هر انسانی حق دارد که نسبت به جان و دین و خانواده و ناموس و مال خویش در آسودگی زندگی کند.
- هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (در مسکن و خانواده و مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او با مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هر گونه دخالت زور گویانه در این شئون حمایت شود.
- مسکن در حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن یا بصورت غیر مشروع واردان شد و نباید آن را خراب یا مصادره کرد یا ساکنینش را آواره نمود.

در ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب ۱۹۴۸، مجمع سازمان ملل) آمده است: کسی نباید در معرض دخالت خودسرانه واقع شود، به حیثیت و حسن شهرت کسی نمی‌توان حمله کرد.

برای حفظ حاکمیت سیاسی و اجتماعی، قانون‌های هر کشور مجوز ورود به حریم خصوصی را داده است که از جمله می‌توان به ماده ۱۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی اشاره کرد: بند دو ماده ۱۷ به افراد حق می‌دهد که در مقابل تعرضات غیر قانونی به حریم خصوصی آنها اقدام نماید و به شرطی که این تعرضات غیر قانونی باشند، بنابراین چنانچه تفتیش منازل به دستور قاضی و به موجب قانون باشد حریمی برای شخصی باقی نخواهد ماند تا آن را خصوصی قلمداد کرده و به دفاع از آن برخیزد.

۶. بند ۱ سیاست‌های کلی امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات - مصوب ۱۳۸۹؛

۷. بند ۸ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی - مصوب ۱۳۸۳؛

۸. قانون مطبوعات - مصوب ۱۳۶۴؛

۹. ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲؛

۱۰. ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی - مصوب ۱۳۷۵ (بخش تعزیرات).

بخش دوم: قوانین عادی

بند ح حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۱ به‌عنوان قانون عادی که توسط رئیس‌جمهور ابلاغ شده حریم خصوصی را محترم شده و گفته است:

ماده ۳۶- حق هر شهروند است که حریم خصوصی او محترم شناخته شود؛ محل سکونت، اماکن و اشیاء خصوصی و وسایل نقلیه شخصی از تفتیش و بازرسی مصون است، مگر به حکم قانون؛

ماده ۳۷- تفتیش، گردآوری، پردازش، به‌کارگیری و افشای نامه‌ها اعم از الکترونیکی و غیر الکترونیکی، اطلاعات و داده‌های شخصی و نیز سایر مراسلات پستی و ارتباطات از راه دور نظیر ارتباطات تلفنی، نمابر، بی‌سیم و ارتباطات اینترنتی خصوصی و مانند این‌ها ممنوع است مگر به موجب قانون؛

ماده ۳۸- گردآوری و انتشار اطلاعات خصوصی شهروندان جز با رضایت آگاهانه یا به حکم قانون ممنوع است؛

ماده ۳۹- حق شهروندان است که از اطلاعات شخصی آن‌ها که نزد دستگاه‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی است، حفاظت و حراست شود. در اختیار قراردادن و افشای اطلاعات شخصی افراد ممنوع است و در صورت لزوم به درخواست نهادهای قضایی و اداری صالح منحصراً در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد. هیچ مقام و مسئولی حق ندارد بدون مجوز صریح قانونی، اطلاعات شخصی افراد را در اختیار دیگری قرار داده یا آن‌ها را افشا کند؛



ماده ۴۰- هرگونه بازرسی و تفتیش بدنی باید با رعایت قوانین، احترام لازم و با استفاده از روش‌ها و ابزار غیر اهانت‌آمیز و غیر آزاردهنده انجام شود. همچنین آزمایش‌ها و اقدامات پزشکی اجباری بدون مجوز قانونی ممنوع است؛

ماده ۴۱- کنترل‌های صوتی و تصویری خلاف قانون در محیط‌های کار، اماکن عمومی، فروشگاه‌ها و سایر محیط‌های ارائه خدمت به عموم، ممنوع است؛

ماده ۴۲- حق شهروندان است که حرمت و حریم خصوصی آن‌ها در رسانه‌ها و تریبون‌ها رعایت شود، در صورت نقض حرمت افراد و ایجاد ضرر مادی یا معنوی، مرتکبین طبق مقررات قانونی مسئول و موظف به جبران خسارت می‌باشند.

انواع حریم خصوصی

حریم خصوصی اطلاعاتی^۱

در ماده یک آیین‌نامه اجرایی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات؛ به مصادیق حریم خصوصی اطلاعات اشاره شده و آمده است: هر نوع داده از جمله صوت، تصویر، فیلم، نوشته، نشانه، نقشه، اعداد و یا ترکیبی از آن‌ها که در اسناد مندرج باشد یا به صورت نرم‌افزاری ذخیره گردیده و یا با هر وسیله دیگری ضبط شده باشد، اطلاعات می‌گویند و به اطلاعات مربوط به هویت، احوال شخصی، وضعیت فردی، عقاید و باورها، پست الکترونیکی، عکس، فیلم، صوت، تصویر و عادات رفتاری و فردی از قبیل نام و نام خانوادگی، محل و تاریخ تولد، ازدواج، طلاق، مشخصات همسر، والدین و فرزندان، نسبت خانوادگی، ناراحتی‌های جسمی و روحی، شماره حساب بانکی و رمز عبور، محل کار و سکونت و همچنین اطلاعات شخصی مربوط به انجام امور تجاری، شغلی، تحصیلی، مالی، آموزشی، اداری، پزشکی و حقوقی اطلاعات شخصی گفته می‌شود. برخی از فقها در اهمیت حریم خصوصی اطلاعاتی اشخاص، عدم ورود و اشاعه اسرار را مورد تأکید قرار داده تا جایی که افشای سر مؤمن را موجب تنزل جایگاه مؤمن دانسته‌اند (مقدس اردبیلی ۱۴۱۱ ق، ۳۴۹:۱۲).

در فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۱ به این نوع از حریم خصوصی اشاره شده است: «هیچ‌کس حق ندارد به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه، گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم، شنود

^۱ Information Privacy.

بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید، یا اسراری را که از غیر به او رسیده فاش کند. تمام این‌ها جرم و گناه است و بعضی از آن‌ها چون اشاعه فحشا و گناهان، از کبائر بسیار بزرگ است و مرتکبین هریک از امور فوق، مجرم و مستحقّ تعزیر شرعی هستند و بعضی از آن‌ها موجب حدّ شرعی می‌باشد» (امام خمینی ۱۳۸۵، ۱۰۶: ۱۷). البته در مواردی که اطلاعات و اسرار مرتبط با حکومت و حاکمیت اسلامی باشد، رعایت حریم اطلاعاتی به مراتب مهم‌تر خواهد بود زیرا مفسده افشای اسرار حکومت متوجه جمیع مؤمنین و افراد جامعه می‌گردد؛ بنابراین اگر نادیده گرفتن حریم خصوصی اطلاعاتی افراد جایز نمی‌باشد، به طریق‌اولی افشای اسرار حکومت جایز نخواهد بود «شکی در حرمت افشاء اسرار نیست، خصوصاً درجایی که اسرار دولت اسلامی بوده و به مصالح مسلمانان، دولت و کیان آن ضرر داشته باشد» (طیسی ۱۳۷۵، ۱: ۳۴۱).

حریم خصوصی ارتباطی^۱

اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رعایت حریم ارتباطی افراد در مکالمات تلفنی، الکترونیکی و نامه‌ها تصریح نموده و گفته است: بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون. بر این اساس پایش و ره‌گیری غیرمجاز این حریم ممنوع بوده و کسی حق تجاوز به آن را ندارد.

حریم خصوصی جسمانی^۲

حریم خصوصی جسمانی حمایت از تمامیت جسمانی در مقابل هرگونه تعرض، تجاوز و نیز در مقابل آزمایش‌های ژنتیکی، دارویی و مانند آن می‌باشد، تمامیت جسمانی هر شخص اولین و مهم‌ترین دارایی اوست که تجاوز به آن در همه حکومت‌های جهان با شدیدترین مجازات‌های کیفری مواجه می‌باشد و به همین دلیل کامل‌ترین حریم از جهت حمایتی، حریم جسمانی است (صادقی ۱۳۸۸، ۱: ۱۱۷). می‌توان مدعی شد آیه «وَلَا تَقْرَبُوا الرِّزْيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا» (اسراء: ۳۲) به

^۱ Communication privacy.

^۲ Bodily privacy.



تمامیت حریم جسمانی افراد اشاره داشته و تجاوز به این حریم ممنوع و مورد نهی شارع قرار گرفته است.

حریم خصوصی مکانی^۱

مکان یا مسکنی که یک فرد در آن زندگی می‌کند و از نظر روانی اطمینان دارد که هیچ‌کس نظاره‌گر وی نیست حریم خصوصی مکانی تلقی می‌شود. در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور با توجه به شأن نزول آن^۲ به حریم خصوصی مکانی اشاره شده است: «ای اهل ایمان هرگز به خانه‌ای غیر از خانه خودتان وارد نشوید مگر آن که با اهل آن خانه انس‌گیرید و (چون رخصت یافتید داخل شوید) به اهل آن خانه سلام کنید و این برای شما بهتر است که متذکر شوید و اگر در خانه کسی را نیافتید وارد خانه نشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر گفتند برگردید، برگردید که این برای پاکی شما بهتر است و خدا به هر چه می‌کنید، داناست». خداوند در آیه ۵۸ سوره نور به مؤمنان دستور می‌دهد که غلام و کنیزهای شما و کسانی از شما که به سن بلوغ نرسیده‌اند باید سه بار در شبانه‌روز از شما کسب اجازه کنند؛ پیش از نماز صبح و نیمروز که جامه‌های خود را بیرون می‌آورید و پس از نماز شامگاهان، زیرا این سه، هنگام خلوت و برهنگی شماست^۳، صاحب جواهر در تفسیر آیه مذکور بیان می‌دارد: لزوم اذن در اوقات سه‌گانه اختصاص به اطفال دارد، لذا به مجرد این که طفل از طفولیت خارج گردد و بالغ شود، باید در تمامی اوقات مانند افراد بزرگسال اذن بگیرد (نجفی ۱۳۶۵، ۲۶: ۲۴). در فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره)^۴ به این نوع حریم خصوصی پرداخته شده و افراد را از ورود به آن منع کرده است: «هیچ‌کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید... آنچه ذکر شد و ممنوع اعلام گردید، در

بررسی فقهی و حقوقی حریم خصوصی متصدیان مناصب حکومتی

^۱ Territorial privacy

^۲ عدی بن ثابت می‌گوید علت نزول آیه چنین بوده که زنی از انصار نزد رسول خدا آمد و گفت: یا رسول‌الله، اوقات و حالانی بر من می‌گذرد که نمی‌خواهم پدرم یا فرزندم مرا در آن اوقات و حالات ببینند، در صورتی که اینان هر وقت سرزده به خانه من می‌آیند و من از این حیث در زحمت و کراهت می‌باشم، بنابراین چه کاری می‌توانم بکنم؛ سپس این آیه نازل گردید (واحدی، علی بن احمد، (۱۴۱۱ ه.ق) اسباب نزول القرآن، ج ۱، ص ۳۲۴).

^۳ نور/۵۸ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»

غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروهک‌های مخالف اسلام و جمهوری اسلامی است» (امام خمینی ۱۳۸۵، ۱۰۶: ۱۷).

حریم خصوصی شخصیتی^۱

زمانی که شخصیت فرد مستقیماً مورد حمله قرار می‌گیرد در واقع حریم خصوصی شخصیتی مورد تعرض واقع شده است، پیامبر اکرم (ص) در حفظ عرض و آبرو می‌فرماید: «المؤمن حرام كلُّه عرضُه و ماله و دمه» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۸، ۲۰۹) و همچنین حضرت علی (ع) می‌فرماید: «ان افضل الافعال، صیانه العرض بالمال» (حرعاملی، ۱۳۹۱، ج ۶، ۴۵۱). در حقوق موضوعه ایران هم تجاوز به حریم شخصیتی افراد جرم‌انگاری شده و مجرم مستحق تعزیر است، از جمله عناوین خاص مجرمانه؛ قذف، افترا و تهمت‌های ناروا، فحش، ناسزاگویی و... می‌باشد (موسوی خمینی، ۱۳۸۴، ج ۲، ۴۷۳).

احراز صلاحیت و ورود به حریم خصوصی

با بررسی دلایل فقهی و حقوق موضوعه ایران، ورود ابتدایی به حریم خصوصی افراد علاوه بر حرمت شرعی، دارای منع قانونی بوده و مرتکب آن مستحق مجازات می‌باشد و نقض حریم خصوصی با اذعان به لزوم احراز صلاحیت متصدیان مناصب حکومتی، با حکم ثانویه (حفظ حکومت اسلامی و...) و حکم قانون‌گذار (کشف توطئه، جاسوسی و...) ورود به حریم خصوصی مجاز می‌باشد، ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مبتنی بر اصل برائت مقرر داشته است که هرگونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نمی‌باشد. مثلاً در مصالح اجتماعی و حفظ حکومت، نهادهای متولی احراز صلاحیت برای کسی که مظنون به جاسوسی و توطئه می‌باشد با مجوزهای شرعی و قانونی، جواز ورود به حریم خصوصی افراد را پیدا می‌کنند. در فقه امامیه علی‌رغم حکم حرمت غیبت، در برخی موارد ورود به حریم خصوصی شخصیتی جایز دانسته شده است، ملاک و ضابطه در تشخیص جواز غیبت، وجود مصلحت برتر

^۱ personality privacy

^۲ آن‌جه که باید به آن توجه داشت این است که ورود به حریم خصوصی به معنای هرگونه تفحص، جست‌وجو و... برای اسرار پنهان افراد است، اعم از تحقیق به روش سنتی؛ از همسایگان، آشنایان، معتمدین و... و تحقیق به روش مدرن؛ بوسیله بررسی ایمیل، تلفن، پیامک، تلگرام و... است، در ورود به حریم خصوصی معنای اعم مد نظر می‌باشد.



از مفسده هتك حرمت مؤمن بیان شده كه البته تشخيص اين مصلحت و مفسده در موارد مختلف، متفاوت است (انصاری ۱۴۲۸ ق، ۳۰۶). در آیاتی كه تبیین‌کننده ممنوعیت ورود به حریم خصوصی بودند با اذعان به این كه آیات بیان شده دلیل روشن در حرمت ورود به حریم خصوصی افراد است، درجایی كه مصالح جامعه و حفظ حكومت اسلامی، بستگی به مراقبت و تفتیش بوده و حكومت اسلامی مسئولیت آن را بر عهده دارد، بایستی در سپردن مسئولیت‌ها و مناصب خصوصاً مشاغل حساس مانند قضات، فرماندهان و... كه در برخی از موارد بر امور مردم ولایت پیدا می‌كنند، دقت بیشتری كند و برای پی بردن به آن لازم است با رعایت شرع و قانون، حریم خصوصی افراد مورد بررسی قرار گیرد. مبنای مشهور قدهاء قبل از شیخ انصاری بر عدم صحت تمسك به عام در شبهه مصداقیه خاص در دوران بین اقل و اكثر یا دوران بین متباینین بوده است (حسینی شیرازی ۱۴۳۶ ق، ۶۹) از نظر نگارنده این عدم صحت تمسك، می‌تواند مجوزی برای ورود به حریم خصوصی در چارچوب تعیین شده در احراز صلاحیت افراد باشد، مثلاً در مصداقی كه شك می‌كنیم آیا ممنوعیت عام (لاتجسسوا) شامل آن مصداق می‌شود یا نه؟ تمسك به عموم عام جایز نبوده و به همین خاطر در مصداق مشکوك می‌توان تجسس کرده و حریم خصوصی فرد را بررسی كرد. منظور از مصداق مشکوك در مانحن فیه، این است فردی خود را در تصدی منصب حكومتی، دارای صلاحیت دانسته و با تمسك به عموم عام، نمی‌توان هیچ بررسی را انجام داد، ولی با مبنای ارائه شده عدم صحت تمسك به عموم عام، ورود به حریم خصوصی جایز می‌باشد. هم‌چنین امام خمینی (ره) در فرمان هشت ماده‌ای ضمن تأکید به لزوم حفظ حریم خصوصی افراد، در مواردی كه مصلحت حفظ حكومت اقتضای ورود به حریم خصوصی معاندین و اخلاص‌گران می‌باشد، با رعایت ضوابط شرعی و قانونی جایز دانسته است «هیچ‌كس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل كار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود یا کسی را جلب كند، یا به نام كشف جرم یا ارتكاب گناه تعقیب و مراقبت نماید... آنچه ذكر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است كه در رابطه با توطئه‌ها و گروهك‌های مخالف اسلام و حكومت جمهوری اسلامی است كه در خانه‌های امن و تیمی برای براندازی حكومت جمهوری اسلامی و ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم بی‌گناه كوچه و بازار و برای نقشه‌های خرابكاری و افساد فی الارض اجتماع می‌كنند و محارب خدا و رسول می‌باشند كه با آنان در هر

نقطه که باشند و هم‌چنین در جمیع ارگان‌های دولتی و دستگاه‌های قضایی و دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و دیگر مراکز با قاطعیت و شدت عمل، ولی با احتیاط کامل باید عمل شود، لکن تحت ضوابط شرعیه و موافق دستور دادستان‌ها و دادگاه‌ها، چراکه تعدی از حدود شرعیه حتی نسبت به آنان نیز جایز نیست، چنانچه مسامحه و سهل‌انگاری نیز نباید شود» (امام خمینی ۱۳۸۵، ۱۷: ۱۰۶). هم‌چنین می‌فرماید «اگر دماء مسلمین را در خطر دیدیم، دیدیم که یک دسته توطئه می‌کنند که بریزند و یک جمعیت بی‌گناهی را بکشند، بر همه ما واجب است که جاسوسی کنیم، بر همه ما واجب است که نظر کنیم و توجه کنیم و نگذاریم یک همچو غائله‌ای پیدا بشود، حفظ جان مسلمان بالاتر از سایر چیزهاست، حفظ خود اسلام از جان مسلمان هم بالاتر است» (امام خمینی ۱۳۸۵، ۱۵: ۱۰۱). با عنایت به دلایل شرعی و قانونی بیان‌شده، حریم خصوصی افراد تا زمانی محترم است که با مصالح مهم‌تری مانند مصلحت عمومی، حفظ حکومت اسلامی و... تراحم نداشته باشد و در صورت تراحم با مجوز فقهی و قانونی می‌توان وارد حریم خصوصی افراد شد، در بحث احراز صلاحیت هم، فردی که مدعی داشتن صلاحیت و شرایط مناصب حکومتی بوده و دلیل یا اماره‌ای برای تأیید یا رد فرد موجود نمی‌باشد، برای بررسی شایستگی فرد با اخذ مجوزهای شرعی و قانونی می‌توان فقط در حدود تعیین‌شده وارد حریم خصوصی افراد شد.^۱

حضرت علی (ع) در بیان احراز صلاحیت کارگزاران و لزوم بررسی و تحقیق قبل از انتصاب افراد به مناصب حکومتی و پرهیز از حسن ظن و جاری کردن اصله‌الصحه فرموده‌اند: «اشخاص را به اتکای خواست و انس و اطمینان خودت انتخاب نکن و به حسن ظن اکتفا ننما، زیرا مردم با ظاهرسازی، تصنع، خوش‌خدمتی، خود را به فرمانروایان می‌شناسانند، درحالی‌که در حقیقت بهره‌ای از خیرخواهی و امانت‌داری ندارند، لذا آنان را با توجه به سوابقشان و بر مبنای مسئولیت‌هایی که در گذشته از

۱. طبیعتاً مناصب و مشاغل حکومتی دارای حساسیت و سطح یکسانی از لحاظ شرایط نمی‌باشند، مثلاً عدالت یکی از ویژگی‌های خاص رئیس قوه قضائیه، امام جمعه می‌باشد در حالیکه برای طراحی یا مهندسی فنی یک خودرو، عدالت شرط آن مهندس نمی‌باشد، باید توجه داشت که حتی در مسئله عدالت هم با توجه به حساسیت آن شغل که آیا دارای ولایت بوده و شئون ولایت به ایشان داده شده در جان، مال و عرض مردم ولایت پیدا کرده، شرط عدالت تا حد توان بالاترین رتبه را پیدا می‌کند، یا در سطح دیگر مثل امام جماعت که برای احراز عدالت آن، فقط حسن ظاهر کفایت می‌کند و نیاز به ورود آن چنانی به حریم خصوصی در کشف عدالت امام جماعت نیست.



سوی زمامداران شایسته داشته‌اند، مورد بررسی قرار ده و به کسانی که در میان توده مردم خوش‌نام بوده و به امانت شناخته شده اعتماد نما، این شیوه‌گزینش دلیل بر آن است که نسبت به خدا و پیشوای خود خیرخواهانه و خالصانه رفتار کنی» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). حضرت در همین عهدنامه بر احراز شرایط کارگزاران حکومتی تأکید فرموده و بیان داشته‌اند «سپس در امور کارمندانت بیاندیش و پس از بررسی و آزمایش به کارشان بگمار (استخدام کن) و با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران آنان را به کارهای مختلف وادار نکن، زیرا نوعی ستمگری و خیانت است». ایشان با تعیین برخی از شرایط برای کارگزاران حکومت اسلامی، به نوعی احراز شرایط قبل از انتصاب افراد را لازم دانسته و فرموده‌اند «پس برای سرپرستی و اداره امور حکومتی کسانی را برگزین که برخوردار از فهم دینی، تقوا، دانش و سیاست باشند و افراد باتجربه و باحیا را از خانواده‌های شایسته شناسایی و انتخاب کن» (ابن شعبه ۱۳۸۲، ۱۳۹).

از منظر فقه امامیه و حقوق موضوعه، پرس‌وجو و تحقیق درباره کسانی که مدعی داشتن صلاحیت‌های لازم در تصدی مناصب حکومتی هستند، از موارد استثناء حرمت غیبت، تجسس، جرم بودن ورود به حریم خصوصی بدون اذن قاضی یا حاکم شرع می‌باشد. محقق اردبیلی در این خصوص گفته است: کسی که منصب قضاوت در شهری را به عهده می‌گیرد، باید درباره اوضاع آن شهر، آگاهی‌های لازم را به دست آورد و افراد آگاه و امین را برای کسب اطلاعات شناسایی کند تا بتواند با هوشیاری از نظرات اشخاص قابل اطمینان استفاده کرده و از افراد غیرقابل اعتماد دوری کند، با همین تحقیق و بررسی است که می‌تواند همکاران لایق را تشخیص داده و از آنان استفاده نماید، چه این که شایسته است با شناخت افراد ناباب، راه نفوذ آنان را مسدود نماید و برای کسب این اطلاعات بازگو کردن نقاط ضعف افراد - در حد نیاز- و نیز شنیدن آن‌ها جایز بوده و از موارد استثناء حرمت غیبت شمرده می‌شود (اردبیلی ۱۳۷۹، ۳۶:۱۲).

با قبول این که در برخی از موارد استثناء شده در فقه امامیه و حقوق موضوعه می‌توان وارد حریم خصوصی شد، سؤال این است که میزان، حدود و ثغور آن تا چه

حدی تعیین شده است؟ آیا شامل تمام امور شخصی افراد می‌شود^۱ یا محدودیت‌هایی دارد؟ در پاسخ می‌توان گفت: اصل، حرام بودن تجسس در زندگی دیگران بوده و در موارد استثناء به حداقل (ورود به حریم خصوصی) اکتفاء می‌شود و این مورد با ضرورت و اهمیت مسئله ارتباط مستقیم دارد. به فرض مثال اگر برای قضاوت یا وزارت، پاکدامنی، امانت‌داری و صداقت را شرط می‌دانیم، می‌توانیم درباره □ این مسائل به تجسس بپردازیم، ولی اجازه تحقیق در مسائلی که به شرایط قضاوت یا وزارت مربوط نیست، نداریم (سروش ۱۳۹۴، ۱۴۴). احمدی میانجی در این باره می‌گوید: تجسس جایز یا واجب در حد ضرورت است، یعنی به مقداری که در کار مورد نظر ما ضرورت وجود دارد، به همان مقدار تجسس جایز خواهد بود و بیشتر از آن حد یا در چیزهایی که در آن هدف دخالت ندارد، تجسس حرام است (احمدی میانجی ۱۳۸۱، ۱۵۵). از سویی آنچه از فقه و قانون برداشت می‌شود رها و مطلق بودن کاوش در حریم خصوصی نیست و شیوه‌های بررسی هم با پیشرفت‌های علمی و تخصصی بشر هم نسبت به گذشته تفاوت کرده است که در این خصوص تنها راه حل، حکم ثانوی فقهی و حکم قانونی می‌باشد.

برخی از صاحب‌نظران مانند آقای سروش برای جلوگیری از ورود غیرشرعی و غیرقانونی به حریم خصوصی راه‌حلهایی ارائه کرده‌اند، از جمله عنوان داشته‌اند: «در مباحث مدیریت منابع انسانی شیوه‌های خاصی برای کسب اطلاعات درباره صلاحیت‌ها و توانایی‌های داوطلبان استخدام مطرح شده است این شیوه‌ها عبارت‌اند از الف) آزمون‌های استخدامی ... مانند آزمون شخصیت، آزمون معلومات و اطلاعات و... ب) مصاحبه ... مصاحبه سازمان‌یافته، مصاحبه رفتاری و... ج) تحقیقات محلی، د) استعمال درباره نداشتن سوءپیشینه، ه) آزمایش‌های پزشکی.. روش‌های یادشده شیوه‌های متعارفی هستند که در مدیریت منابع انسانی توصیه شده‌اند» (سروش ۱۳۹۴، ۱۴۵).

۱. ماده ۷۵ قانون استخدامی وزارت اطلاعات در خصوص مستخدمین آن وزارتخانه بیان می‌دارد: «مستخدمین وزارتخانه مکلفند هرگونه تغییر و تحول در وضعیت شخصی خود را از قبیل تغییر محل سکونت، ازدواج به اطلاع وزارتخانه برسانند» با تعبیر مکلف بودن، هرگونه تغییر و تحول در وضعیت شخصی، به نظر می‌رسد تمام امور مستخدمین از خصوصی بودن خارج و تحت نظر وزارتخانه متبوع قرار می‌گیرد، این مسئله نیاز به بحث مستقلی داشته که آیا این موضوع با احکام اسلامی مغایرت دارد یا با عناوین و احکام ثانویه به دلیل اهمیت شغلی مستخدمین وزارت اطلاعات، حرمتی در قانون وجود ندارد.



به نظر می‌رسد برخی از شیوه‌های مطرح‌شده هم ورود به حریم خصوصی می‌باشد چون بدون اطلاع و آگاهی فرد، برخی از مسائلی که نباید آشکار می‌شد با انجام آزمون، مصاحبه، تحقیقات محلی و... آشکار می‌شود، سؤال این است که در ورود به حریم خصوصی چه تفاوتی بین شیوه‌های ذکرشده با شیوه‌های جدید مثل بررسی پیامک، شنود، تلگرام، ایمیل، سانسور و... وجود دارد؟ در پاسخ می‌توان گفت: راه‌حل این موضوع تعیین حدود و ثغور ورود به حریم خصوصی است که آیا در بررسی احراز صلاحیت منوط به شغل مدنظر، نیازی به بررسی پیامک فرد می‌باشد یا خیر؟! یا صرفاً تحقیق محلی کفایت می‌کند؟! یا با آزمون و مصاحبه می‌توان توانمندی فرد را مورد سنجش قرارداد و صلاحیت فرد را تأیید یا رد کرد؟! نگارنده بر این عقیده است بین روش سنتی و جدید تفاوت ماهوی وجود ندارد و در هر دو روش، ورود به حریم خصوصی محقق می‌شود. پاسخ دیگری که می‌توان ارائه کرد این است که در هر دو روش، فردی که مدعی تصدی یک منصب است، به‌نوعی اعلام می‌دارد که این ویژگی‌ها و صفات را دارد ولی راه تأیید یا رد، داشتن و نداشتن ویژگی‌ها، بررسی حریم خصوصی با چارچوب تعیین‌شده شرعی و قانونی، می‌باشد، به‌صورت نمونه آیا آزمون شخصیت ۱۶ عاملی کتل که آقای سروش به‌عنوان راه‌حل ارائه کرده‌اند ورود به حریم خصوصی تلقی می‌شود یا خیر؟! در حال حاضر این آزمون در احراز صلاحیت مستخدمین برخی از نهادها و ارگان‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و مسائل خصوصی و شخصیتی فرد مانند مردم‌آمیزی - مردم‌گریزی، پایداری هیجانی یا نیرومندی «من»، سلطه، استیلا، سرزندگی - دل‌مردگی، گسیخته‌گویی پارانویاگونگی، محافظه‌کاری و... را به نیم‌رخ روانی فرد تفسیر می‌کند که اگر فرد متوجه می‌شد که با این آزمون ۱۶ بعد شخصیتی وی مورد تحلیل قرار گرفته، احتمال عدم رضایت فرد وجود داشت و این مسئله همان ورود به حریم خصوصی است (لوئیس جاندا ۱۳۸۸، ۵۸) در مصاحبه‌های تخصصی‌گزینشی هم روش همین‌گونه است.

جرم‌انگاری ورود غیرقانونی به حریم خصوصی

در حقوق موضوعه ایران، ورود غیرقانونی به حریم خصوصی افراد جرم‌شناسی شده (با اذعان به این نکته که رویه قضایی منسجمی در خصوص ورود به حریم خصوصی نمی‌باشد)^۱ و در دو حوزه مسئولیت مدنی و کیفری مورد بحث قرار گرفته است:

مسئولیت کیفری

الزام شخص به پاسخگویی در قبال تعرض به دیگران، خواه به جهت حمایت از حقوق فردی و خواه به منظور دفاع از جامعه، تحت عنوان «مسئولیت کیفری» یا «مسئولیت جزایی» مطرح می‌شود. مسئولیت کیفری نوعی الزام شخص به پاسخگویی آثار و نتایج نامطلوب پدیده جزایی یا جرم است. مسئولیت کیفری متوجه افرادی است که مرتکب جرائم مصرح در قانون می‌شوند (ماده ۲ ق. م. ا) این مسئولیت زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد (ماده ۱۴۰ ق. م. ا) مسئولیت کیفری محدود به اشخاص حقیقی نیست اگرچه اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است. شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود (ماده ۱۴۳ ق. م. ا).

بر اساس ماده ۴ ق. آ. د. ک، ورود به حریم خصوصی افراد جز به حکم قانون و رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت انجام اقدامات قضایی نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت افراد صدمه وارد نماید. برای مثال ورود به حریم خصوصی منزل، تفتیش و بازرسی آن توسط مقام صالح قضایی در صورتی مجاز است که حسب دلایل ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب و آلات و دلایل جرم وجود داشته باشد (ماده ۱۳۷ ق. آ. د. ک).

^۱ گرچه در برخی از اصول قانون اساسی به برخی از مصادیق حریم خصوصی اشاره شده و قوانین جزایی این اصول را تحت عنوان جرائم علیه تمامیت معنوی در آراء صاحب‌نظران و هتک حرمت مراسلات، هتک حرمت اشخاص، افشاء اسرار و... بیان کرده است. اما با افزایش مصادیق حق حریم خصوصی بایستی قانون‌گذار نسبت به جرم‌انگاری و حمایت از مصادیق متعدد آن خصوصاً در فضای مجازی و... اقدام نماید. به عنوان نمونه اطلاعات شخصی که در سازمان‌ها و... مثل نهادهای امنیتی، پلیس، بانک و... وجود دارد و افشای آن تمامیت معنوی افراد را زیر سؤال می‌برد، در نتیجه نیاز به وضع قوانینی برای حفظ و صیانت از حقوق بیان شده از سوی قانون‌گذار می‌باشد.

قانون گذار در قانون مجازات اسلامی، مسئولیت کیفری نقض حریم خصوصی افراد را در مورد ممنوعیت نشر اکاذیب یا افترا یا افشای راز، بیان کرده است. بر اساس ماده ۶۴۸ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی «اطبا، جراحان، ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند».

در ماده ۵۸۲ این قانون نیز دخالت در حریم خصوصی که توسط کارمندان دولت صورت گرفته باشد، جرم تلقی شده است. طبق ماده مزبور «هریک از مستخدمین و مأمورین دولتی که مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع کند یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشا کند به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیونی ریال محکوم خواهد شد» در ماده ۶۹۸ این قانون نیز قانون گذار نادیده انگاشتن حق حریم خصوصی و انتشار مطالبی که منجر به ضرر مادی یا معنوی افراد گردد را ممنوع اعلام کرده است «هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضا یا بدون امضا اکاذیبی را اظهار کند یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از این که از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه، علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم شود».

در ماده ۱۶ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۹ مقرر شده است «هرکس به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آنرا منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به نحوی که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد» در تبصره این ماده نیز آمده است که اگر تغییر یا تحریف به صورت مستهجن باشد، مرتکب با حداکثر هر دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد. هم‌چنین مطابق ماده هفده این قانون «هرکس به وسیله

سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نودویک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

مسئولیت مدنی

چنانچه فردی به حریم خصوصی شخصی بدون مجوزهای لازم تجاوز کند و باعث ایجاد خسارت مادی و معنوی گردد علاوه بر تعقیب کیفری، مسئولیت مدنی در مقابل این فعل را هم خواهد داشت و باید خسارات وارده را جبران نماید. مطابق ماده ۱ ق.م.م «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتهی یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد» (کاظمی فر ۱۳۹۷، ۳۸)، هم چنین بر اساس مواد ۸ و ۹ این قانون کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود، می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. در احراز صلاحیت افراد در مناصب حکومتی، احراز علمی یا احراز شرعی به معنای قیام بینه ملاک نبوده بلکه احراز عرفی ناشی از قرائن و آمارات است، باید قرائن و آماراتی قائم شود و انسان با یک اطمینان عرفی به این مسئله دست پیدا کند.

۲. با استناد به دلایل حفظ حکومت و نظام اسلامی، مصلحت عامه مردم برای احراز صلاحیت افراد متصدی مناصب (نه مردم عادی و...) به نحو موجهه جزئیه، ورود به حریم خصوصی با مجوزهای شرعی و قانونی منعی ندارد.

۳. احترام به حق حریم خصوصی و عدم نقض آن توسط افراد و حکومت مورد انتظار قانون‌گذار می‌باشد؛ به عبارتی چنانچه بدون مجوز قانونی حریم خصوصی افراد اعم از حریم ارتباطی، اطلاعاتی، جسمانی، مکانی و شخصیتی مورد تعرض قرار گیرد، مسئولیت حقوقی و کیفری به دنبال خواهد داشت.



در بیان فقهی و حقوقی، نقض حریم خصوصی علاوه بر مسئولیت کیفری با مسئولیت مدنی نیز دارد.

۴. احترام به حریم خصوصی امری مطلق نیست؛ به عبارت دیگر در صورت تراحم مصلحت فردی با مصالح اجتماعی و با تشخیص حاکم و مجوز قانونی امکان ورود به حریم خصوصی برای افراد ذی صلاح منتفی نیست.

۵. التزام به لوازم و شرایط ورود به حریم خصوصی از سوی نهادهای احراز صلاحیت کننده مانند شورای نگهبان، نهادهای نظارتی و.. لازم می‌باشد، باید توجه داشت که حکم اولیه فقهی و قانونی ورود به حریم خصوصی، حرمت و منع قانون‌گذار می‌باشد و صرفاً در موارد خاص این امر محقق می‌شود.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابن شعبه، حسن بن علی، (۱۳۸۲)، «تحف العقول عن الرسول»، ص ۳۵۷، قم، آل علی (ع).
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (بی تا)، «لسان العرب»، ج ۶، بیروت، دارصادر.
- احمدی میانجی، علی، (۱۳۸۱)، «اطلاعات و تحقیقات در اسلام»، تهران، دادگستر.
- اردبیلی (مقدس اردبیلی)، احمد بن محمد، (۱۳۷۹)، «مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان الی احکام الایمان»، ج ۱۲، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۸۴)، «تحریر الوسیله»، ج ۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- _____ (۱۳۸۵)، «صحیفه نور»، ج ۱۵، ۱۷، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- _____ (۱۳۹۴)، «استفتائات»، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- _____ (۱۳۷۱)، «چهل حدیث»، ج ۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- انصاری، باقر (۱۳۸۷)، «حقوق ارتباط جمعی»، تهران، سمت.
- _____ (۱۳۸۶)، «حقوق حریم خصوصی»، تهران، سمت.
- انصاری، مرتضی، (۱۴۲۸ ه.ق)، «المکاسب»، ج ۱، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۷)، «قانون مجازات اسلامی و مقررات مرتبط»، تهران، دیدار.
- _____ (۱۳۹۷)، «قوانین و مقررات آیین دادرسی کیفری»، تهران، دیدار.



- _____ (۱۳۸۸)، «ترمینولوژی حقوق»، ج ۳، تهران، گنج دانش.
- حرعاملی، محمدبن حسن، (۱۴۰۹ ه.ق)، «تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه»، ج ۶، ۱۳، ۱۲، ۲۹، قم، موسسه آل‌البیت (ع).
- حسینی شیرازی، سید مرتضی، (۱۴۳۶ ه.ق)، «سوء‌الظن فی المجتمعات القرانیه»، ص ۶۹، قم، بی‌نا.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، (۱۴۱۳ ه.ق)، «قرب الاسناد»، ج ۱، قم، موسسه آل‌البیت (ع).
- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۸۸)، «اجوبه الاستفتائات»، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- _____ (۱۳۸۲)، «بیانات مقام‌معظم‌رهبری در دیدار اعضای شورای نگهبان»، www.leader.ir.
- خراسانی، محمدکاظم بن حسین، (۱۳۸۶)، «کفایه الاصول»، ج ۲، قم، دارالفکر.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۸۵)، «لغت‌نامه دهخدا»، ج ۲، تهران، موسسه □^۱ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- سروش، محمد، (۱۳۹۴)، «احکام حریم خصوصی»، تهران، سمت.
- صادقی، حسین، (۱۳۸۸)، «مسئولیت مدنی در ارتباطات الکترونیک»، ج ۱، تهران، میزان.
- طباطبایی مومتمنی، منوچهر، (۱۳۹۷)، «حقوق اداری»، تهران، انتشارات سمت.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، «المیزان فی تفسیرالقرآن»، ترجمه □^۲ محمدباقر موسوی‌همدانی، ج ۱۸، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی حکیم، محمد سعید، (۱۴۱۷)، «مصباح المنهاج»، بیروت، نشر المنار.
- طبرسی، فضل‌بن حسین، (۱۳۷۷)، «ترجمه تفسیر جوامع الجامع»، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

- طبسی، نجم الدین، (۱۳۷۵)، «النفی و التغریب»، ج ۱، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
- _____ (بی‌تا)، «مبانی فقهی جاسوسی و ضدجاسوسی»، بی‌نا.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵)، «مجمع البحرین»، ج ۱، مکتبه المرتضویه.
- عمید، حسن، (۱۳۹۰)، «فرهنگ فارسی عمید»، تهران، امیرکبیر.
- کاظمی خراسانی، محمدعلی، (۱۴۰۹)، «فوائد الاصول»، ج ۴، قم، نشر اسلامی.
- کاظمی فر، محمد، (۱۳۹۷)، «قانون مدنی، به همراه مسئولیت مدنی»، تهران، سروشگان.
- لوئیس جاندا، محمد حبیب نژاد (مترجم)، محمدعلی بشارت (مترجم)، (۱۳۸۸)، «آزمون‌های شخصیت: ۲۴ تست برای شناختن مشکلات شخصیتی و راه‌های مقابله با آنها»، تهران، آبیژ.
- مامقانی، عبدالله، (۱۳۰۴ ه.ق)، «مناهج‌المتقین فی الفقه ائمه الحق و الیقین»، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (بی‌تا)، «بحارالانوارالجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار (ع)»، چاپ اول، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- معین، محمد، (۱۳۸۷)، «فرهنگ فارسی معین»، تهران، امیرکبیر.
- مهرپور، حسین، (۱۳۹۶)، «نظام بین المللی حقوق بشر»، تهران، انتشارات اطلاعات.
- نجفی، محمدحسن باقر، (۱۳۶۵)، «جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام»، ج ۲۶، ۲۱، ۲۲، ۳۵ چاپ هفتم، داراحیاء التراث العربی.
- نقیبی، سید ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، «حریم خصوصی در مناسبات و روابط اعضای خانواده»، فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ج ۱، شماره ۵۲.
- نوری طبرسی، میرزا حسین، (۱۴۰۸ ه.ق)، «مستدرک الوسائل الشیعه»، ج ۱۸، قم، مؤسسه آل‌البیت.



